

تحلیلی از شاخص‌های نظام مالیات اسلامی به‌عنوان الگوی هدف برای نظام مالیاتی ایران

سیدسجاد علم‌الهدی*

چکیده

مالیات به‌عنوان اصلی‌ترین منبع درآمد دولت‌ها، ایزاری قوی جهت تصحیح انحرافات بازار و همچنین توزیع مجدد درآمدها به‌شمار می‌رود. کشورهای اسلامی از جمله ایران، نیز برای رسیدن به یک نظام کارا تغییراتی را در نظام مالیاتی خود ایجاد کرده‌اند. بررسی تطابق این مالیات‌ها با شاخص‌ها و ویژگی‌های نظام مالیاتی اسلامی، امری ضروریست. در این مقاله، به بررسی این موضوع می‌پردازیم که آیا نظام مالیاتی ایران با شاخص‌های نظام مالیاتی اسلام همخوانی دارد یا خیر؟ بنابراین، در ابتدا به تعاریف مصطلح مالیاتی پرداخته و سپس نظام مالیاتی مطلوب از دیدگاه آدام اسمیت بیان می‌شود. در ادامه ویژگی‌های نظام مالیات‌های اسلامی مورد واکاوی قرار می‌گیرد. سپس اسلامی بودن نظام مالیاتی ایران مورد بررسی قرار می‌گیرد. نتایج تحقیق حاکی از این است که نظام مالیاتی کشور نه تنها خصوصیات یک نظام مطلوب را دارا نیست؛ بلکه با شاخص‌های اسلامی نیز فاصله زیادی دارد.

کلیدواژه‌ها: نظام مالیاتی اسلام، نظام مالیاتی ایران، زکات، خمس، شاخص مالیات اسلامی.

۱. مقدمه

در روند تکامل جوامع بشری، حضور دولت‌ها چه از نظر کمی (حجم فعالیت‌ها) و چه از نظر کیفی (عمق و پیچیدگی وظایف) در زمینه مسایل مختلف اقتصادی و اجتماعی، به‌طور

* عضو هیئت علمی پژوهشگاه اقتصاد و مدیریت، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
alamolhoda.sa@gmail.com

تاریخ دریافت: ۱۳۹۵/۷/۲، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۵/۱۰/۱۵

مداوم افزایش یافته است. از سوی دیگر، عملیات مالی دولت‌ها، اثرات غیر قابل انکاری بر زندگی اقتصادی مردم دارد. نقش دولت‌ها در اقتصاد درجات مختلف دارد و هر چه این نقش در اقتصاد افزایش می‌یابد، ضرورت بحث از نظام مالی بیشتر می‌شود. در این بین، مالیات‌ها به عنوان اصلی‌ترین ابزار کسب درآمد برای دولت‌ها جهت دستیابی به اهداف اقتصادی و اجتماعی شایان توجه هستند. مالیات‌ها نقش مهمی در اقتصاد دارند. منبع اصلی درآمدهای دولت در اکثر کشورهای جهان به ویژه کشورهای پیشرفته صنعتی، درآمدهای مالیاتی است که برای عرضه خدمات عمومی مورد استفاده قرار می‌گیرد. هدایت فعالیت‌های اقتصادی نیز به کمک سیاست‌های مالی انجام می‌شود. افزایش (یا کاهش) مالیات‌های وضع شده بر بخش‌های اقتصادی یا فعالیت‌های گوناگون موجب محدودیت (یا گسترش) آن فعالیت‌ها می‌شود. همچنین، به کمک ابزارهای مالیاتی می‌توان به توزیع مجدد درآمد ملی بین صاحبان نهاده‌های تولید مبادرت کرد و سهم درآمدی گروه‌های مختلف را تغییر داد. (حمزه‌پور، صدر، کفائی، ۱۳۸۱، ص ۲۱) از طرف دیگر، مالیات‌ها به عنوان ابزار کنترل دولت‌ها بر اقتصاد به شمار می‌روند و دولت‌ها می‌توانند از مالیات‌ها به عنوان ابزار سیاست‌گذاری اقتصادی نیز استفاده نمایند. اگر چه برخی کشورها از جمله ایران، به دلیل دسترسی به منابع جایگزین مانند نفت، آن‌چنان‌که شایسته است به درآمدهای مالیاتی توجه نمی‌کنند؛ اما این کشورها به نقش مهم و اساسی آن در ساختار بودجه خود اذعان دارند و به دنبال بررسی و چگونگی افزایش ظرفیت‌های بالقوه مالیاتی خود هستند.

در اسلام نیز، دولت دارای اختیارات وسیعی در حوزه اقتصاد است و از درآمدهای بالائی برخوردار می‌باشد و نظام مالی دولت در اسلام دارای اهمیت ویژه‌ای است. شناسائی ظرفیت‌ها و شاخص‌هایی که مالیات‌های اسلامی از آن برخوردارند، برای بررسی امکان استفاده از قابلیت‌های آن‌ها امری ضروری است.

در این مقاله پس از معرفی اجمالی انواع مالیات‌ها، نظام مالیاتی مطلوب از دیدگاه آدام اسمیت بیان می‌شود و سپس الگوی اسلامی در بخش مالیات و ویژگی‌های آن مورد بحث و بررسی قرار خواهد گرفت. در ادامه به طور اجمال، نظام مالیاتی کشور با توجه به شاخص‌های نظام مالیاتی اسلام مورد ارزیابی قرار خواهد گرفت.

۲. مالیات و انواع آن

مالیات قسمتی از درآمد یا دارایی افراد است که به منظور پرداخت مخارج عمومی و اجرای سیاست های مالی در راستای حفظ منابع اقتصادی، اجتماعی و سیاسی کشور به موجب قوانین و به وسیله اهرم های اداری و اجرایی دولت وصول می شود. در تعریف دیگر، مالیات وجوهی است که دولت از اشخاص، شرکت ها و موسسات، بر طبق قانون برای تقویت حکومت و تأمین مخارج عمومی اخذ می کند. (وزارت بازرگانی، معاونت برنامه ریزی، ۱۳۸۵، ص ۷۵)

مالیات به دو دسته مستقیم و غیر مستقیم قابل تقسیم بندی است: مالیات های مستقیم مالیات هایی هستند که مستقیماً بر منبع درآمد وضع می شوند. این نوع از مالیات ها مستقیماً و متناسب با درآمد اشخاص حقیقی و حقوقی وصول می شود. مالیات های مستقیم شامل انواع مالیات بر درآمد و مالیات بر دارایی است.

در مقابل مالیات های غیر مستقیم مالیات هایی هستند که پرداخت کننده آن معین نبوده و تحقق مالیاتی بستگی به بخشی از فعالیت های اقتصادی و عملیات افراد داشته و قابلیت انتقال آنها بسیار زیاد باشد. به عبارت دیگر، مالیات هایی که به طور غیر مستقیم بر کالاهای مصرفی اشخاص وضع شده و از مصرف کنندگان وصول می شوند، در این گروه قابل طبقه بندی هستند. این مالیات ها به دو دسته مالیات بر واردات و مالیات بر معاملات (فروش و مصرف) تقسیم می شوند.

مقدار مالیات نیز به دو شکل ثابت و متغیر قابل تصور است: مالیات ثابت؛ یعنی از هر فرد، مبلغ مشخصی مالیات گرفته شود، بدون توجه به این که درآمد او چه قدر است، یا از کارگاه با مشخصات خاص مبلغ مشخصی اخذ شود. مالیات متغیر مالیاتی است که میزان آن ثابت نبوده و از هر پرداخت کننده مالیات، متناسب با درآمد، سود، سرمایه و یا فروش او مالیات اخذ شود. نرخ مالیات نیز می تواند ثابت، افزایشنده (تصاعدی) و یا کاهشنده باشد.

۳. اصول یک نظام مالیاتی مطلوب از نظر آدام اسمیت:

آدام اسمیت، اقتصاددان معروف مکتب کلاسیک، چهار اصل عمده را به عنوان مبانی یک نظام مالیاتی مطلوب بیان داشته است (همان، ص ۸۱):

۱. اصل عدالت و برابری: براساس این اصل، بار مالیاتی باید به صورت عادلانه بین مردم تقسیم شود و به توانایی پرداخت مالیات دهنده بستگی داشته باشد. یعنی هر فرد باید متناسب با سهمی که در تولید کالاها و خدمات دارد، درآمد کسب نماید؛ در این صورت توزیع درآمد در جامعه توزیعی عادلانه است.

۲. اصل معین و مشخص بودن: بر اساس این اصل، مبلغ مأخذ مالیات، زمان پرداخت و طریق پرداخت باید دقیقاً مشخص و معین باشد.

۳. اصل سهولت و یا سهل الوصول بودن: بر اساس این اصل، کسب رضایت نسبی افراد و ارائه تسهیلات مختلف برای پرداخت مالیات مد نظر است و تنظیم شرایط جهت پرداخت و طریقه پرداخت باید با توجه به حداقل فشار ممکن طراحی شده باشد.

۴. اصل صرفه جویی: بر اساس این اصل، در جمع آوری مالیات باید حداکثر صرفه جویی به عمل آید و هزینه جمع آوری آن به حداقل ممکن تقلیل یابد.

عدالت، یک مفهوم ارزشی است و براساس قضاوت‌ها و معیارهای مختلف ارزشی، به صورت‌های متفاوت تعبیر و تفسیر می‌گردد. صاحب‌نظران معتقد هستند که مفهوم عدالت نتیجه تفکر و رضایت اجتماعی است.

۴. عدالت مالیاتی

عدالت مالیاتی (Justice Tax)، دارای دو جنبه است: عدالت افقی و عدالت عمودی. در عدالت افقی به افراد برخوردار از موقعیت‌های متفاوت یکسان نگریسته می‌شود، حتی اگر درآمدها از راه‌های گوناگون به دست آمده باشد. در مقابل در عدالت عمودی که به اصل قدرت پرداخت تعبیر می‌شود، مالیات‌ها، باید با اشخاصی که از نظر اقتصادی در وضعیت متفاوتی هستند، به صورت نامساوی تعلق گیرد. به بیان دیگر، عدالت عمودی، برخورد متفاوت با افراد برخوردار از موقعیت متفاوت است. برای تحقق عدالت عمودی، لازم است مالیات‌ها برای افرادی که در گروه‌های متفاوت درآمدی و ثروت قرار دارند، به شیوه‌ای نابرابر وضع شود. در عدالت عمودی رفتار مختلف افراد در موقعیت‌های گوناگون نسبی می‌باشد. برای رسیدن به عدالت عمودی لازم است نرخ مالیات برای افراد با درآمدهای مختلف یکسان نباشد و با افزایش درآمد، نرخ مالیات افزایش یابد. البته مشکل اساسی در اجرای عدالت عمودی، اندازه‌گیری توانایی یا قدرت پرداخت افراد است.

برای دریافت مالیات عادلانه سه دیدگاه کلی وجود دارد: متداول‌ترین آنها اصل توازن پرداخت است؛ که طبق آن، ثروتمندان به نسبت ثروت خود، باید مالیات بیشتری در راه تأمین مخارج دولت بپردازند. اصل بهای خدمات، دیدگاه دیگری است که افراد، به نسبت بهره‌گیری از خدمات دولت باید مالیات بدهند. روش سوم مالیات‌بندی برای توزیع مجدد درآمد به نفع مستمندان به کار گرفته می‌شود و تقریباً تمامی بار مالیاتی را متوجه ثروتمندان می‌سازد. عدالت افقی، سرشکن شدن بار مالیاتی به‌طور مساوی در شرایط یکسان و به‌طور نامساوی در شرایط غیریکسان است. برای رسیدن به عدالت افقی، باید شرایط مشابه برای افراد ایجاد نمود تا براساس آن به‌طور برابر مشمول پرداخت مالیات گردند. (فرهنگ، ۱۳۷۲، ص ۱۲۷) عدالت افقی رفتار برابر با اشخاص در وضعیت‌های برابر است. حتی اگر درآمد خود را از راه‌های مختلف به دست آورده باشند (مریدی، نوروزی، ۱۳۷۳، ص ۵۱۷).

۵. سیر تحول نظام مالیاتی ایران

در دهه های شصت و هفتاد میلادی، نقش مالیات ها در توزیع مجدد درآمد با طراحی مالیات های تصاعدی و نرخ های متعدد افزایش یافت و پیچیدگی نظام های مالیاتی موجب روند رو به رشد اصلاحات در ساختارهای مالیاتی جهان شد (۷). اما در ایران، قبل از پیروزی انقلاب اسلامی، مالیات ها نقش چشم گیری در هدایت و تنظیم فعالیت های اقتصادی کشور نداشتند. وجود ذخایر عظیم نفتی و افزایش قیمت جهانی آن به ویژه در دهه ۵۰ موجب افزایش درآمدهای ارزی ناشی از صادرات نفت و کاهش توجه به اهمیت درآمدهای مالیاتی شده بود. اما پس از انقلاب شرایط به طور کامل دگرگون شد، تحمیل جنگ به ایران، استخراج و صدور نفت را دشوار ساخت و تحریم اقتصادی ایران نیز فروش آن را بیش از پیش مشکل کرد. کاهش قیمت های جهانی نفت درآمد صادرات نفتی را کاهش داد. در نتیجه، درآمدهای ارزی دولت علاوه بر کاهش، بی ثبات نیز شد. بروز این شرایط زمینه توجه و اعتماد بیشتر به مالیات ها را به صورت یک درآمد دایمی برای دولت پدید آورد. (حمزه پور، صدر، کفائی، ۱۳۸۱، ص ۲۱)

علاوه بر آنکه با پیروزی انقلاب اسلامی و تغییر حکومت، این انتظار پدید آمد که به تدریج و با اجرای برنامه های روشن، اهداف و آموزه های اسلامی، از جمله در ابعاد اقتصادی تحقق یابد. در ایران نیز سیر تحول اصلاحات در نظام مالیاتی به سمت یک نظام مطلوب از سال ۱۳۶۶ با ارائه لایحه مالیات بر ارزش افزوده به مجلس شورای اسلامی آغاز

شد. لیکن با مسکوت ماندن بررسی این لایحه، برای فراهم آوردن فضایی مناسب برای اجرای مالیات بر ارزش افزوده، قانون مالیات‌های مستقیم (مالیات بر سود شرکت‌ها) که از نرخ مالیاتی تصاعدی برخوردار بود به صورت تناسبی (معادل نرخ ثابت ۲۵ درصد از سود) در سال ۱۳۸۰ تصویب و از سال ۱۳۸۱ به اجرا گذاشته شد. همچنین قانون تجمیع عوارض در سال ۱۳۸۱ تصویب و در سال ۱۳۸۲ به اجرا گذاشته شد (وزارت بازرگانی، معاونت برنامه‌ریزی، ۱۳۸۵، ص ۷۹).

۶. مطالعات تطبیقی در حوزه نظام مالیاتی ایران

بر روی نظام مالیاتی ایران، مطالعات تطبیقی قابل استفاده‌ای انجام شده است که ذیلاً به برخی از آنها اشاره می‌شود.

در مطالعه‌ای توسط قطمیری و اسلاملوئیان (۱۳۸۶) خط مشی مالیاتی ایران در مقایسه با کشورهای در حال توسعه بررسی شد. نتایج حاکی از این است که تلاش مالیاتی در ایران دارای پایین‌ترین رتبه در میان ۱۵ کشور مورد مطالعه است. همچنین با توجه به اینکه ضریب تلاش مالیاتی در ایران کمتر از یک است نتیجه گرفته شده است که ظرفیت‌های بلا استفاده مالیاتی در ایران وجود دارد، بنابراین لازم است سیاست مناسب برای افزایش تلاش مالیاتی به کار گرفته شود.

در مطالعه‌ای دیگر که توسط پیرایی و فرد دوجی (۱۳۸۶) صورت گرفت سیاست مالیاتی ایران از جنبه فقر و نابرابری ارزیابی شد. نتایج تحقیق حاکی از آن است که نابرابری اجزای مختلف درآمدی در ایران طی سال‌های ۱۳۷۹ تا ۱۳۸۲ در مناطق شهری و روستایی افزایش یافته و سیاست مالیاتی دولت در جهت افزایش فقر و نابرابری عمل کرده است.

گیلک حکیم‌آبادی (۱۳۷۹) در تحلیلی مقایسه‌ای آثار توزیعی مالیات بر درآمد در اسلام و نظام مالیاتی بر درآمد در ایران را با روش رایج اصابت مالیاتی بررسی می‌کند. با توجه به نتایج تحقیق به نظر می‌رسد اجرای نظام مالیات بر درآمد در اسلام با توجه به ویژگی‌ها و پشتوانه اعتقادی آن در کشور، کاستی‌های آثار توزیعی نظام مالیات بر درآمد فعلی را تا اندازه‌ای مرتفع سازد، ضمن اینکه برآوردها، بار مالیاتی در خمس را برای تمامی خانوارهای مورد مطالعه نسبت به نظام فعلی مالیات بر درآمد کمتر نشان می‌دهد. به طور کلی نظام خمس با کمترین اختلال در کارایی اقتصادی، موجب تقویت عدالت عمودی خواهد شد.

در بررسی دیگری که توسط نادران و صدیقی (۱۳۸۶) بر روی اثر مالیات‌ها و اجزای آن بر حجم اقتصاد زیرزمینی در ایران بین سال‌های ۱۳۸۲-۱۳۵۲ صورت گرفت این نتیجه حاصل شد که چنانچه افزایش شاخص بار مالیاتی ناشی از تغییرات قانونی باشد، به این معنا که بر اساس قوانین بایستی از مؤدیان مالیات بیشتری اخذ شود، این امر سبب انگیزه مؤدیان برای فرار مالیاتی و ورود به فعالیت‌های زیرزمینی می‌شود. اما چنانچه افزایش بار مالیاتی به دلیل افزایش کارایی و بازدهی سازمان امور مالیاتی باشد انتظار می‌رود حجم اقتصاد زیرزمینی کاهش یابد، زیرا با افزایش کارایی و بازدهی سازمان امور مالیاتی آن بخش از اقتصاد که بر اساس قوانین مالیاتی مشمول مالیات می‌شوند، امکان کمتری برای فرار از پرداخت مالیات داشته و در نتیجه شکاف مالیاتی کاهش می‌یابد و حجم اقتصاد زیرزمینی کوچک‌تر می‌شود.

در مطالعه دیگری که توسط حمزه پور، صدر و کفایی (۱۳۸۱) تحت عنوان مالیات بر شرکت‌ها در ایران بر اساس الگوی مالیات‌های اسلامی انجام شده، الگوی مالیات‌های اسلامی با نظام فعلی مالیات‌های کشور مورد مقایسه قرار می‌گیرد. بر اساس الگوی مالیات‌های اسلامی تابع مالیات اسلامی به صورت زیر تعریف می‌شود:

$$(1) T = tY$$

در این تابع Y ، سود، اجاره، شبه‌اجاره؛ افزایش ارزش دارایی‌ها، پس‌انداز، یا به‌طور خلاصه مازاد خالص اقتصادی است. این متغیر برای مصرف‌کنندگان مجموع پس‌انداز نقدی و خالص افزایش ارزش دارایی‌هاست و برای تولیدکنندگان سود، اجاره یا شبه‌اجاره است. ضریب t ، نرخ مالیات است که برای خمس ۲۰٪ و برای زکات از ۱ تا ۱۰ درصد بسته به مورد تغییر می‌کند. برای خراج مقدار ضریب به سیاست‌های مالی انبساطی و انقباضی دولت بستگی دارد. در سطح کلان این ضریب میانگین وزنی نرخ‌های یادشده است. متغیر T ، مبلغ مالیات به صورت خمس، زکات یا خراج است.

بر اساس تابع ۱ مالیات نهایی و میانگین مساوی است. همچنین با توجه به معادله ۲ ضریب کشش مالیاتی برابر واحد است؛ درصد افزایش مالیات با درصد افزایش درآمد خالص مشمول مالیات مساوی است.

$$(2) \quad \eta = \frac{dT}{dT} \frac{Y}{T}$$

$$\eta = t(1/t) = 1$$

این نتیجه که از نسبی بودن مالیات‌های خمس و زکات و خراج به دست می‌آید یافته مهمی است که به کمک آن مالیات‌های مستقیم مختلف را می‌توان آزمون کرد و نسبت به تطابق آن با الگوی اسلامی مالیات اظهار نظر کرد. بنابراین، شاید بتوان گفت؛ مالیات‌های تصاعدی مورد تأیید اقتصاد اسلامی نیست و اگر کشش مالیات‌های مستقیم امروزی برابر با واحد نباشد می‌توان آن را منطبق با الگوی اسلامی ندانست.

۷. ویژگی‌های نظام مالیات اسلامی

مالیات‌های اسلامی دارای انواع گوناگونی است. مهم‌ترین آن‌ها خمس و زکات هستند که در قرآن کریم به وجوب آن‌ها تصریح شده است. خراج و جزیه نیز از دیگر مالیات‌های اسلامی محسوب می‌شوند. خراج در صدر اسلام مهم‌ترین منبع تأمین‌کننده درآمد‌های بیت‌المال محسوب می‌شد که مقدار آن هر ساله توسط پیامبر (ص) یا خلیفه مسلمانان تعیین می‌شد و با توجه به مناطق و زمان‌های مختلف تغییر می‌کرد. جزیه نیز مالیات ثابتی بود که به طور سرانه از غیر مسلمان‌ها گرفته می‌شد و در مقابل خدمات اجتماعی به ایشان ارایه می‌شد. انواع این مالیات‌ها علاوه بر خصوصیت‌های خاص خود، دارای ویژگی‌های مشترک نیز می‌باشند. این ویژگی‌های مشترک در عناوین ذیل قابل بررسی هستند:

۱.۷ عبادی بودن

پرداخت مالیات در اسلام عبادت محسوب شده و همچون سایر عبادت‌ها، موجب ثواب می‌گردد و مؤدیان با پرداخت این نوع مالیات‌ها، به تکلیف الهی خود عمل می‌کنند. یعنی در نظام مالیات اسلامی، به معنویات و رشد و ارتقا روحی و اخلاقی افراد جامعه توجه شده است. رشد خصوصیت‌های نیک نه تنها یکی از اهداف نظام مالیاتی است بلکه عاملی در کارکرد روان و کارایی نظام مالیاتی است و بنابراین، در تاثیر و تاتر دائمی با اجزا دیگر نظام مالیاتی است. این کارکرد معنوی را غیر از مرتبط کردن مالیات‌ها با نظام جزا و پاداش به هیچ صورت دیگری نمی‌توان وضع کرد. عبادی بودن موجب ایجاد فرهنگ بالای مالیاتی شده و اسلام با گره زدن این مالیات‌ها به سرنوشت انسان، آن را وظیفه‌ای دینی معرفی کرده و مسلمانان را مقید به انجام آن ساخته است.

۲.۷ مالیات مستقیم

مالیات‌ها اسلامی، مالیات‌های مستقیم محسوب می‌شوند زیرا درآمد و سود اخذ شده و بر ارزش تولید یا نهاده‌های به کار رفته در تولید وضع نمی‌شوند. به طور مثال؛ خمس از سود یا پس انداز اشخاص گرفته می‌شود؛ یعنی از مانده درآمد کل ایشان (پس از آنکه مخارج مصرفی و سرمایه‌ای و نیز پرداخت‌های انتقالی در طی سال از آنها کسر می‌شود) مالیات گرفته می‌شود. وضع مالیات مستقیم و عدم اخذ مالیات از ارزش تولید یا نهاده‌های به کار رفته در تولید، علاوه بر آنکه اثر نامطلوبی بر کارایی فعالیت‌های اقتصادی ندارد، قابل انتقال به مصرف‌کنندگان یا سایر تولیدکنندگان نیست. همچنین مالیات‌های اسلامی به علت تعلق به مازاد اقتصادی به صورت‌های اجاره، شبه اجاره، سود یا پس انداز موجب توزیع مجدد درآمد می‌شوند (همان، ص ۳۲).

۳.۷ نسبی بودن

مالیات‌های اسلامی همگی نسبی هستند. به عنوان نمونه، خمس از بیست درصد سود یا پس انداز تولیدکنندگان و مصرف‌کنندگان گرفته می‌شود. گندم، جو، کشمش و خرما اگر به شکل دیم زراعت شوند زکات آنها ده درصد و اگر با آب چاه آبیاری شوند پنج درصد است. زکات گوسفند، گاو و شتر به ترتیب یک، یک و نیم و دو درصد است. زکات دینار و درهم دو درصد و نیم است. این ویژگی، سبب توزیع مجدد و عادلانه‌تر درآمد میان اشخاص می‌گردد، زیرا اشخاصی که پس انداز یا درآمد خالص بیشتری پس از اشتغال به فعالیت‌های اقتصادی نصیبشان می‌شود، مبلغ مالیات آنان نیز بیش‌تر می‌شد و اشخاص کم درآمد، مالیات به نسبت کمی می‌پرداختند. به سبب نسبی بودن، مالیات‌های مزبور به طور خودکار باعث تثبیت تعادل در اقتصاد می‌شوند بدین معنا که هنگام افزایش تقاضای کل بر عرضه کل، و پیدایش تورم، میزان مالیات متعلقه افزایش می‌یابد و برعکس، هنگام رکود، میزان آن فرو می‌گاهد. این تثبیت‌کنندگی چنان که می‌دانیم از ویژگی‌های مالیات‌های نسبی است. یعنی مالیات‌های اسلام سبب توزیع مجدد درآمد میان اشخاص می‌شد و اشخاصی که پس انداز یا درآمد خالص بیشتری پس از اشتغال به فعالیت‌های اقتصادی نصیبشان می‌شد، مبلغ مالیات آنان نیز بیش‌تر می‌شد و اشخاص کم درآمد، مالیات به نسبت کمی می‌دادند. شاید بتوان هدف اصلی اخذ مالیات را توزیع مجدد درآمد و ثروت، برقراری عدالت اجتماعی و همچنین ریشه کن کردن فقر در جامعه دانست. بنابراین با توجه

به وظایف سه گانه دولت‌ها در اقتصاد یعنی، تخصیص منابع، توزیع مجدد درآمد و ثروت و تثبیت اقتصادی، اسلام بیشتر به دنبال توزیع مجدد درآمد و ثروت در جامعه است تا فاصله طبقاتی را بکاهد و سطح زندگی عموم مردم را متناسب با یکدیگر قرار دهد.

۴.۷ مورد مصرف معین

درآمدهای مالیاتی هر کدام دارای مصارف معین بودند و نخست در محل جمع‌آوری به مصرف می‌رسیدند و مازاد به مرکز فرستاده می‌شد. این نکته موجب حفظ توازن میان فعالیت‌های دو بخش عمومی و خصوصی می‌شد، یعنی هم فعالیت‌های همگانی که از سوی بیت‌المال عرضه می‌شد توسعه می‌یافت، و هم عرضه کالاهای خصوصی از طریق نهاد بازار و بخش خصوصی رشد مطلوب خود را داشت. مالیات‌های صدر اسلام هر یک مصارف خاص و معینی داشت و پرداخت‌کنندگان آگاه بودند که مالیات‌های آنها به چه مصارفی خواهد رسید؛ بدین سبب میل به پرداخت در میان ایشان تقویت می‌شد؛ زیرا در مورد چگونگی هزینه‌شدن مالیات‌های خود آگاهی کافی داشتند. افزون بر این، درآمدهای مالیاتی هر آبادی، نخست صرف رفع نیازمندی‌های همان محل می‌شد و چنان‌که مازادی باقی می‌ماند، برای مرکز فرستاده می‌شد. این ویژگی انگیزه مضاعفی در مؤدیان برای پرداخت پدید می‌آورد زیرا می‌دانستند که پرداخت‌های ایشان، ابتدا در محل سکونت خود و در مصارف مورد نظرشان خرج می‌شود. (۲) شاید کمتر مؤدی مالیاتی از چگونگی هزینه‌کردن مالیات‌هایی که می‌پردازد با خبر باشد، در یک نظام مالیاتی اسلامی باید تمامی اطلاعات مربوط به دخل و خرج بیت‌المال شفاف باشد و حق هر شهروند اسلامی است که از چگونگی هزینه‌کردن مالیات پرداختی خود آگاه باشد.

۵.۷ اعتماد به پرداخت‌کنندگان

در رابطه با گردآوری مالیات‌های مزبور، در فرمانی از امام علی (ع) به یکی از مأموران مالیاتی خود بر حسن رفتار و چگونگی برخورد با مؤدیان بسیار تأکید شده است. از جمله حضرت از او می‌خواهند که به مؤدیان اعلام کند اگر کسی بدهی دارد، به او بپردازد و اگر کسی اظهار داشت که مالیاتی به او تعلق نمی‌گیرد، سخن او را بپذیرد و به بازرسی اسناد مالی او نپردازد. گویا این تأکید حضرت، برای ایجاد اعتماد متقابل و حسن ظن میان دولت

و پرداخت کنندگان مالیات باشد. در اینجا نماینده دولت، ادعای اشخاص مشمول مالیات را مبنی بر معاف بودن ایشان تصدیق می‌کند و گویی ایشان را صادق و درستکار تشخیص می‌دهد. متقابلاً در اظطرار، هنگامی که دولت نیاز خود را ابراز می‌دارد، چنان که پیامبر اکرم هنگام عزیمت به جنگ تبوک چنین کردند، مردم نیز دولت را صادق تشخیص داده، به کمک آن با حداکثر توان خود می‌شتابند (صدر، گیلک حکیم آبادی، ۱۳۸۱، ص ۴۷).

۶.۷ امکان معافیت

ویژگی دیگر مالیات‌های اسلامی امکان برخورداری از معافیت است. در زراعت، اگر مقدار محصول تولیدی و در دامداری اگر تعداد دام‌های پرورشی از اندازه معینی کمتر باشد، تولیدکنندگان مزبور از پرداخت زکات معافند. همچنین اگر در پایان سال دینار و درهم شخص‌ها حد معینی کمتر باشد، از پرداخت زکات معاف خواهد بود. این ویژگی که سبب حمایت از تولید کنندگان کوچک و نوپا می‌شود، به توزیع درآمد میان ایشان و دیگر تولید کنندگانی که زکات می‌پردازند، کمک می‌کند. معافیت خمس، تأمین حد نصاب زندگی است. مادام که پس انداز کسی به اندازه‌ای نرسیده باشد که مخارج سال او را تأمین کند، از پرداخت خمس معاف است. (همان).

۷.۷ تشویق سرمایه‌گذاری

خصوصیت دیگر مالیات‌های یاد شده، ایجاد مشوق برای سرمایه‌گذاری و رشد تولید بود. اگر کشاورزی برای توسعه فعالیت زراعی خویش و به کارگیری روش زراعت آبی، به حفر چاه اقدام و از آب آن استفاده می‌کرد، میزان زکات متعلق به محصول او نصف می‌شد. اگر دامداران برای گسترش تولید به کشت علوفه یا خرید آن اقدام می‌کردند، از پرداخت زکات معاف می‌شدند. هنگام محاسبه خمس، تمام هزینه‌های سرمایه‌گذاری و دیون ناشی از آن از درآمد به دست آمده قابل کسر است. خراج زمین‌های کشاورزی به اجاره‌ای که به سبب حاصلخیزی طبیعی زمین و نوع خاک و موقعیت آن از جهت نزدیکی به رودخانه، جاده یا بازار به زمین تعلق می‌گرفت، بستگی داشت، نه به فعالیت‌هایی که به افزایش کارایی تولید، کاربرد فنون جدید کشاورزی یا تغییر مقیاس مزرعه می‌انجامید (۲). بنابراین مالیات‌های اسلامی به واسطه دارا بودن نرخ نهایی اندک و پایین و در نتیجه پایین بودن بار

مالیاتی؛ انگیزه‌های کار، پس انداز و سرمایه‌گذاری را کاهش نمی‌دهد و حتی در خراج که برخی آن را مالیات اراضی دانسته‌اند و مقدار آن به صلاح‌دید حکومت است، امیر مؤمنان علی (علیه السلام) به مالک اشتر سفارش می‌کند که توجه او به عمران و آبادی، بیش از توجه اش به درآمد خراج باشد؛ یعنی میزان خراج نباید طوری بسته شود که مانع تولید باشد به همین دلیل نرخ‌های زکات و خمس پایین است و به تجربه ثابت شده که چنین نرخ‌هایی مانع تولید نیستند. در زکات نیز شرایطی ذکر شده است؛ برای مثال اگر از چارپایان مشمول زکات، در امر تولید یا حمل و نقل استفاده شود یا اگر طلا و نقره مسکوک به صورت پول رایج در گردش باشند و کنز نشوند، مشمول زکات نیستند.

۸.۷ عادلانه بودن

تحقق عدالت هدف عمده مکتب اقتصاد اسلام است. شکل تعلق مالیات‌های اسلامی به گونه ایست که عدالت مورد نظر اسلام تأمین شود. شهید محمد باقر صدر، دولت را یکی از ارکان تأمین‌کننده عدالت در نظام اقتصادی اسلام معرفی می‌کند و افزون بر تأمین نیازهای معیشتی، رسالت آن را ایجاد توازن میان درآمدهای اقتصادی قشرهای مختلف جامعه اعلام می‌کند. یکی از ابزارهای در اختیار دولت برای ایجاد توازن اقتصادی مالیات هاست. مستقیم و متناسب بودن مالیات‌های اسلامی با درآمدهای مشمول آن به روشنی قابلیت آن‌ها را در ایجاد توازن و عدالت اقتصادی نمایان می‌کند. با توجه به مفهوم عدالت در اسلام، مالیات‌ها نیز، بر اساس حقوق افراد و جامعه وضع شده‌اند. افراد فقیر و مسکین که به علت ناتوانی جسمی یا بیماری یا پیری تکلیفی بر عهده ندارند، بالقوه صاحب حق هستند و بخشی از درآمدهای حاصل از خمس، زکات و خراج به ایشان تعلق می‌گیرد. به عبارت دیگر؛ مالیاتی عادلانه است که چه در مرحله اخذ و تعلق و چه هنگام توزیع و تقسیم آنها متناسب و متوازن با حقوق و دستاوردهای اقتصادی افراد جامعه باشد. مالیات‌های اسلامی به طور کامل از این ویژگی برخوردار هستند؛ مقدار تعلق آنها از یک سو با درآمد مشمول مؤدیان متناسب است و از سوی دیگر، اعطای آنها به نیازمندان و واجدین شرایط به فقر و ناتوانی ایشان بستگی دارد. از این رو متناسب کردن مالیات‌ها و هم شکل و همانند کردن آنها با مالیات‌های صدر اسلام به عادلانه کردن نظام مالیاتی موجود مطابق با مکتب اقتصادی اسلام کمک می‌کند. (حمزه پور، صدر، کفائی، ۱۳۸۱، ص ۳۵). دو نکته، عادلانه بودن نظام مالیات اسلامی را نشان می‌دهد: یکی گسترش پایه مالیاتی

دیگری رعایت توانایی پرداخت. در توضیح گسترش پایه مالیاتی باید دانست؛ تمام درآمدهای ناشی از سرمایه و نیروی کار و حتی درآمدهای فعلیت نیافته مشمول زکات یا خمس است و هیچ شغل یا فردی از پرداخت مالیات معاف نیست. در مورد رعایت توانایی پرداخت نیز میدانیم؛ مالیات خمس درآمد کسب، که قلم عمده مالیات های اسلامی است، به عنوان یک نمونه از مالیات اسلامی، بر مازاد درآمد از مخارج زندگی مؤدی و خانوار تحت تکفل او وضع می شود. یعنی توانایی فرد در پرداخت مالیات لحاظ می شود. این ملاحظه یعنی رعایت عدالت افقی در نظام اخذ مالیات. زیرا میدانیم؛ معیار در عدالت افقی فقط برابری درآمد نیست. برای مثال، فردی که از راه تجارت درآمد کسب می کند با فردی که همان درآمد را از معدن به دست می آورد، مالیات کمتری می پردازد که این خود نشان می دهد معیارهای دیگری مانند استفاده بیشتر از منابع طبیعی نیز مورد توجه قانون گذار بوده است.

۸. نتیجه گیری

با توجه به ویژگی ها و شاخصه های نظام مالیاتی اسلام، به نظر می رسد، نظام مالیاتی کشور برای اینکه بخواهد مدعی الگو پذیری از الگوی نظام مالیاتی اسلام باشد نیازمند تحول اساسی و جدی است. مهمترین مانع برای این امر، نداشتن شناخت کافی از نظام مالیاتی اسلام و عدم احساس ضرورت برای فراگیری و اجرای آن است. چنان که بیان شد، چون اخذ مالیات، به ظاهر حرمت شرعی ندارد، سیاستمداران و دولتمردان و اقتصاددانان، هیچیک در مقام یافتن الگویی از مالیات های اسلامی بر نیامده اند. داوری درباره مالیات های موجود یا جدید در بهترین حالت، بر اساس تجربه گذشته و عملکرد مالیات های پیشین صورت گرفته و به هماهنگی و سازگاری آن با اهداف و عملکرد مالیات های صدر اسلام که بهترین الگو برای مالیات های اسلامی است، توجه نشده است. صرف نظر از این مانع اساسی، برای شناسایی میزان تحقق هر کدام از شاخص های نظام مالیات اسلامی می توان از روش های گوناگونی بهره گرفت. به عنوان نمونه، برای عادلانه بودن مالیات ها، می توان بار مالیاتی را محاسبه کرد. اگر این نسبت با توجه به توان پرداخت تنظیم شده باشد می توان گفت شیوه ای عادلانه است. (صدر، گیلک حکیم آبادی، ۱۳۸۱، ص ۵۱)

برای تشخیص اینکه مؤدیان تا چه اندازه با طیب خاطر و داوطلبانه مالیات خود را می پردازند، محاسبه فرار یا اجتناب مالیاتی می تواند مفید باشد. در زمینه فرهنگ مالیاتی و

محاسبه شاخص فرار و اجتناب مالیاتی، دیدگاه عمومی درباره مخارج دولت اهمیت زیادی دارد. بدیهی است احساس سنگین بودن بار مالیاتی و وجود تبعیض بین درآمد حقوق بگیران و درآمد مشاغل دیگر نیز می‌تواند در عدم تمایل باطنی مؤدیان مؤثر باشد. همچنین با محاسبه هزینه تحصیل یک واحد درآمد مالیاتی، تا حدودی می‌توان سیستم اجرایی را ارزیابی کرد. ارزیابی هر سیستم مالیاتی در چهارچوب وظایفی صورت می‌گیرد که برای آن در نظر گرفته می‌شود. ممکن است نقش مالیات‌ها برای کسب درآمد مالیاتی یا توزیع مجدد درآمد یا تخصیص بهینه منابع و یا ترکیبی از آنها در نظر گرفته شود که تا حدود فراوانی به تجربه ثابت شده است برخی از نقش‌ها، به ویژه دو نقش کسب درآمد و تخصیص بهینه (یا کارایی) با نقش توزیع مجدد درآمد در تضادند؛ بنابراین با توجه به اولویت‌های هر نظام سیاسی-اجتماعی، ممکن است برخی از نقش‌ها اهمیت داده شود و یا برخی مانند نقش توزیع مجدد، به عهده اهرم‌های دیگر اقتصادی مثل مخارج عمومی گذاشته شود.

در پایان چنین به نظر می‌رسد برای حفظ احترام و شخصیت مؤدیان و جلب اعتماد آنان، دولت باید بیش از پیش از اهرم‌های اجبار و تهدید در نظام اجرایی بپرهیزد و با تشویق درستکاران و ارشاد و تنبیه مناسب فراریان مالیاتی و اصلاح بیش‌تر نظام مالیاتی، زمینه را برای همکاری و مشارکت مؤدیان فراهم سازد و بدین وسیله، هزینه گردآوری مالیات را کاهش دهد.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

کتاب‌نامه

۱. حمزه پور محمدحسین، سید کاظم صدر و محمد علی گفایی، "بررسی مالیات بر شرکت‌ها در ایران بر اساس الگوی مالیات‌های اسلامی" فصلنامه پژوهش‌های اقتصادی ایران، شماره ۱۰، بهار ۱۳۸۱
۲. صدر سید کاظم، محمد تقی گیلک حکیم آبادی، "آیا نظام مالیاتی ایران اسلامی است؟"، فصلنامه تخصصی اقتصاد اسلامی، سال دوم، شماره ۷، سال ۱۳۸۱
۳. داداشی نیاکي محمد رضا، "مالیات و وجوهات شرعی"، مطالعات اسلامی، شماره ۷۳
۴. نگاهی به اصلاح نظام مالیاتی کشور با تأکید بر قانون موسوم به تجمیع عوارض و لایحه مالیات بر ارزش افزوده، وزارت بازرگانی، معاونت برنامه ریزی و امور اقتصادی، شماره ثبت سند ۸۵/۶۰۰، ۱۳۸۵/۴/۴
۵. کمیجانی اکبر، محمد مهدی عسکری، "تحلیل نظری آثار اقتصادی زکات و مقایسه آن با مالیه توری" مجله تحقیقات اقتصادی، شماره ۶۴، بهار ۱۳۸۳

۶. قظمیری محمد علی، کریم اسلام‌لویان، "برآورد تلاش مالیاتی در ایران و مقایسه آن با کشورهای در حال توسعه منتخب، مجله تحقیقات اقتصادی، شماره ۸۳، ۱۳۸۶
۷. گیلک حکم آبادی محمد تقی، "تحلیل مقایسه ای آثار توزیعی مالیات بر درآمد در اسلام و نظام مالیات بر درآمد در ایران"، مجله تحقیقات اقتصادی، شماره ۵۷، پاییز و زمستان ۱۳۷۹
۸. گیلک حکیم آبادی محمد تقی، "درس هایی از روند اصلاحات مالیاتی در جهان: مطالعه موردی ایران" پژوهش نامه علوم انسانی واجتماعی، سال چهارم، شماره ۱۳، سال ۱۳۸۳
۹. پیرایی خسرو، سارا فرد دوجی، "ارزیابی سیاست مالیاتی ایران از جنبه فقر و نابرابری، آیا سیاست مالیاتی به نفع فقیر بوده است؟"، فصلنامه پژوهش های اقتصادی، سال نهم، شماره دوم، تابستان ۱۳۸۸
۱۰. نادریان الباس، حسن صدیقی، "بررسی اثر مالیات ها و اجزای آن بر حجم اقتصاد زیرزمینی در ایران (۱۳۵۲-۱۳۸۲)"، سال ۱۳۸۶
۱۱. موسایی میثم، یوسف کرمی، "بررسی نقش خمس در رفع فقر مطالعه موردی شهرستان شال قزوین"، مجله راهبرد یاس، شماره ۱۶، سال ۱۳۸۷
۱۲. مریدی، سیاوش و نوروزی، علیرضا؛ فرهنگ اقتصادی، تهران، پیشبرد و نگاه، ۱۳۷۳، چاپ اول
۱۳. فرهنگ، منوچهر، فرهنگ علوم اقتصادی، تهران، البرز، ۱۳۷۲